

لین پاپین، با درجہ "خوب" پذیرفته شد  
تاریخ: ۲۸-۹-۵۰  
نومبر: ۲۸۹۰

دانشگاه طب مسکو

دانشکده جراحی

۲۴۹۵

پایان نامه تحصیلی فوق لیسانس جراحه سال ۴۸ - ۴۹

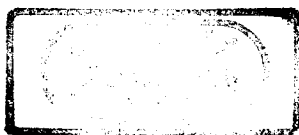
موضوع

سرکند

پاراضاتی امعاء معتره جناب آقای دکتر خرامس

تهیه کننده

علی حسین زاده



۲۴۹۸

فهرست مندرجات

- ۱- مقدمه
- ۲- تعریف
- ۳- عناصر ارجمه ( بودن - منقول بودن - تعلق مال هئیر - قصد در سرقت )
- ۴- نظریه هیئت عمومی در مورد مفهوم آزار - تهدید
- ۵- جرم مادی - سوی
- ۶- سرقت ظرون بشرائط پنجگانه
- ۷- سرقت در شروع و شرافط آن
- ۸- نظریه دیوانعالی در مورد اینکه چاقو سلاح است
- ۹- شکستن حرز
- ۱۰- سرقت ظرون به آزار یا تهدید
- ۱۱- تکرار سرقت - مجازات سرقت - مجازات مراحل اجرای سرقت
- ۱۲- قصد ارتکاب سرقت - شبهه ملامت - شروع یا اجرای سرقت
- ۱۳- اجرای سرقت
- ۱۴- شرکت در سرقت
- ۱۵- معاونت در سرقت

۳۴۳، ۷۱  
ع ۵  
سرقت  
نویسنده: ابوالحسن  
۱۳۵۰ - ۸۱

## دینا چاند

اصل دینا کاتک همیشه ابد و اصل لا خرنک کاتک سموت خدا \* ( علی طیبہ السلام )  
سیاس فراوان بزرگ خداوندی را سزااست که بنا به پیش نظر فرمود تا بنادانی خود معترف و مصمت  
گراست فرمود تا در رفیع جهالتهو تا یکی روح خود مینا ممکن کوشش و فرصتی داد تا از خرمن دانش  
استادانی وارسته و پاکدل داده ای برچینیم و با آن از دره های پرینسج و خم زندگانی فرود آید -  
پسندیم و در هرین پایان بیرون پشمیری که راهنمای راستی و درستی بود و مردم را بکار و کوشش  
و امرار معاش از طریق جوانمردانه هدایت و رهبری کرد و فرمود \* "الکمل فیض الدین والدینا"  
و کمال مشروح به عنوان را قوسیه و فرمود \* "ان الله لا یضیع اجر العاطمین"

و عظیم بیحد و وصف پرشرف مردیک در سراسر زندگی علم و عمل را توانا بکار بست . استوار  
مردیک جمع اهداء نمود . سخن مردیک حتی به هنگام حکومت از کار کوتاهی نکرد ، در امانت میکرد  
آبباری مینمود . امر میفرمود و قضا میکرد . سلام پرگرمی استادانی که در حال سوختن نور  
می افشاند و به بستگان وادی دانش و فرهنگ روشن و آرامش می بخشید .

ستایش بر استاد گرانمایه جناب آقای دکتر خزانی که بمن تعلیم داد و معاضدت نمود  
تا پایان نامه خود را در چگونگی کار گروه از خدا پشمیری بنام ( ساری ) که نتیجه رفیع دیگران  
را متعلق بخود دانسته و از آن ارجحانی مینماید تنظیم نمایم

خداش در همه حال از بالا نگهدارد

مناهی که در تهیه پایان نامه مورد استفاده قرار گرفته است :

- ۱- تقریرات جناب استاد دکتر محمد در کلاس درس .
- ۲- جزای اختصاصی و جزوات درسی جناب آقای دکتر یاد .
- ۳- حقوق مدنی جناب آقای دکتر لاری .
- ۴- حقوق مدنی مرحوم منصور السلطنه عدل .
- ۵- فتاوا در اسلام نوشته آقای صدر لاری .
- ۶- حقوق جزای آقای دکتر ماسری .

طبیعت اجتماع، طبیعت فعال و متحرکی است. اجتماع در فعالیت و تحرک خود ملاحظه و ارزشهای  
 نهی بوجود میآورد. در گریه و در این تید لای و تغییرات اجتماعی گاه اصول و قواعدی که نهی  
 بنای جامعه را میآزند تغییر یافته و گاه آنچه که مربوط به نظم و نظام اجتماعی است <sup>متحول</sup> متحول میشود.  
 اصول حاکم بر اجتماع با کفایت خاصه ذاتی خود امور و افعالی را مجاز و مباح دانسته و احوالی را  
 منع مینمایند. این امر ونهیی که همواره بصورت قانون در روابط افراد ظاهر میشود گاه جنبه انسانی  
 و زمانی دارای منشأ و مادی است.

کردار منومه یا خودداری از انجام تکالیف معینی در حد نهایی خود با تید ضمانت اجرای مجازات  
 تجلی نموده و جرائم را نمایان میسازد.

کنیت تشکیل جامعه و اصولی که حیات اجتماعی بر آن توأم و دوام دارد در ارائه احوال مجرمانه مومسر  
 است بهمین سبب در تاریخ قضائی جوامع بشری با احوالی برخورد میکنیم که روزگاری مجاز و روا بود و  
 زمانی ممنوع و مستوجب مجازات گردیده است. مشخص اینگونه احوال در هر یک از ادوار حیات انسانی  
 طادات صهی، مذهب و اخلاق است.

طادات، رفتار موافق طبع اجتماع است که در ادوار متعددی مورد عمل واقع شده و در نتیجه تکرار افراد  
 بآن انس گرفته و رعایت آنرا لازم میدانند.

نیروی طادات در فرد آدمی از لحاظ بقا و ادامه حیات نقش فوق العاده ای دارد. روشهایی که برای  
 رفع نیازند بهای خود میآوریم با تکرار و تکرر بصورت طادات در میآیند و تغییر آنها با جایگزین ساختن  
 نحوه بگری برای رفع نیازند بهای و لو اینکم میروند و میباید با احتیاطی کنیدی و با احتیاط تمام آنها

میگرد . طادات ماد در سیری قرار میدهند که ناچاراً افراد امید هم و خروج از آن سیر غالباً بسیار  
 مشکل و گاهی غیرممکن و راست . آنچه که در خانواده پدید داده میشود از طریق عادت و تکرار  
 زینبای خوبی و خصال او را میسازد ( خود ) توجه طفل بر رفتار اطرافیان و پاسخی که  
 پد انبیا میدهند در پیدایش عادات او بسیار مؤثر بوده و در این دوره از عمل کودک است که  
 فی الطفل طادات عادتک بنفسی طادات عادتک به فررا کسب کرده و جز لاینکه خوبی او میشود . جمیع  
 طادات فردی طادات اجتماعی را تشکیل داده و قدرت و نفوذ این عادات در اجتماع متناسب با عامل  
 یا عواملی است که به موجب پیدایش آن عادت شده اند . طبقات مختلف اجتماع در داخل خود طادات  
 خاص دارند . حرف کونگون و صنوف مختلف اثر طادات حرفی و پاسخی بر کتائستند و این طادات  
 که حرف خاص نامیده میشوند از وسافل مهم رفع اختلاف محسوب بوده تا آنجا که قدرت و نفوذ آنها  
 اصالی را صحت گذاشته و اصالی را منع میکنند . ولایم چیز در توصیف طادات میگوید . عادت عجز  
 ظنی است که اجتماع را میگرداند و عاملی است که در اجتماع پایداری ایجاد میکند . آنچه  
 نظم اجتماع را حفظ میکند طادات است . طادات همانند سرنوشت طادات محکوم میکند کار و حرفه ایراکه  
 یکبار انتخاب کرد ما به دنبال کسیم .

گرچه ولایم چیز در توصیف طادات راه مخالف را پیچیده است ولی در عمل ملاحظه میکنم گاه پیش آمده  
 طادات اجتماعی را در سیر جدیدی قرار میدهند ولی *NN* در باب نفوذ و قدرت طادات پاسخی داد  
 اینکه آدمیان به تأثیر نفوذ و اهمیت طادات خود در برابر چیزهای نوظهور و نشان داده و از تفسیر  
 و تبدیل آنها یاد دارند اینکه اگر خواهیم رفتار بزرگسالان را در سیر جدیدی قرار دهیم و عادات  
 آنها را عرض نمائیم نباید از اهمیت و قدرت و نفوذ عادات غافل باشیم .  
 نقش قواعد ناشی از عادات طادات که بصورت قانون دارای ضمانت اجرای خاص نگردیده دارای  
 جزای وجدانی است و تخلف از آن احساسات افراد جامعه را بر طبقه مختلف بر میانگیزد .

اعمال مجاز و ممنوع در مذاهب تابع امر و نهی مذهبی است. اصولاً امر و نهی در مذاهب منشاء ربانی داشته ، دارای جزای دنیوی و آخری است. در گذشته نظام اجتماع تابع قدر و نفوذ مذاهب بوده و اولیای مذهبی حکومت دنیائی را نیز در اختیار داشته اند بعد ها که دولت از مذهب - تفکیک شد و آنها نتوانستند از زین بار نفوذ رهبران مذهبی کنار آیند و قواعد ناظر به نظام اجتماعی به تبع حاکمیت مذهب متحد و دنیائی ناشی از قواعد مذهبی بوده ، جرم و مجازات نیز بر همین اساس محقق و اعمال میشود است.

در باب اخلاق و تأثیر آن از نقطه نظر رفتار و سلوک افراد جامعه سخن بسیار گذشته است. آدمیان مانند همه موجودات در تلاقی و تکاپوی خود هدف و غایتی دارند . انسان به خلاف بسیاری از موجودات برای نهل به کمال مختار است و هر گاه بر طبق اختیاری که در او است رعایت اصول و قواعد اخلاقی را در اجتماع ننماید یا کس العمل اجتماعی رو برو گردیده و این کس العمل در ادوار مختلف حیات بشود درین جملات مختلف متفاوت بوده است.

منشاء قواعد اخلاقی را میتوان وجدان آدلی دانست و تأثیرات وجدان معلول زندگی اجتماعی و - ماحصل تجارب انسانی در طی قرون و اعصار است.

برای وجدان دو معنای قابل شده اند . یکی آگاهی و شعور و چنانچه بحالات نفسانی و دروم غامبی که راه صحیح را به انسان نشان داده و او را از خطا و لغزش و تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی صون - میدهد . در این معنا وجدان دارای جنبه امریه بوده و ذرهای از ذرات انوار الهی است.

قواعد اخلاقی در هر اجتماع واحد جنبه فلسفی است و از همین نقطه نظر است که در هر اجتماع قواعد اخلاقی خاصی وجود دارد . خروج از حد مألوف و قواعد اخلاقی مواجهه با واکنش اجتماع است و این واکنش در سرحد نهائی خود به شکل مجازات ظاهر میشود . بطوریکه اشاره کردیم گروه بسیاری

مشکل در داخل يك اجتماع خواهد مخصوص بخود دارند . بسیاری از اصالح در داخل يك گروه عملی است خلاف اخلاق و حال آنکه همان اصالح بین افراد گروه دیگر مخالفت و مغایرتی با اخلاق ندارد . اینها اصالح خلاف اخلاق همواره تابع شرایط زمانی و مکانی است و هر آنگاه که واجد ضمانت اجرای جزائی گردد عنوان جرم پیدا خواهد نمود .

تکالی که عرض شد عموماً بین این معنی است که در تاریخ حیات انسانی بجرم مهارت از عملی بوده که طبع اجتماع را جریحه دار ساخته و عکس العمل اجتماع بصورت مجسّمات ظاهر گردیده است . اعمال مجرمانه همیشه یکسان نبوده و به تبعیت از عادات و مذاهب و اخلاق اجتماعی هر عصر و زمان و در هر مکان متفاوت بوده است . معیار در رابطه انسانها از قدیمی ترین حیات اجتماعی اصالی وجود داشته که همواره طبع اجتماع انسانی را جریحه دار نموده آدمکش و سرقت از اینگونه اصالتند . تسلط بدون جهت و سبب نسبت به اطاعت دیگری و خاتمه دادن بحیات يك موجود انسانی پسندون در نظر گرفتن ضوابط و قواعد و حاکم اجتماعی همواره محکوم و ممنوع بوده است .

افراط این ممنوعیت با پیشرفت زمان مخفی گردیده و حیات انسانی در طی قرون پس از اصالی صحه گذاشته است که امروزی بنام بسیار غم انگیز و اندوهناک بوده اند . طوایف و قبایل سالها به کشت و کشتار و فارت یکدیگر پرداخته و ریشه جدال و اختلاف در این



بوده که یکی از افراد قبيله دانسته یا ندانسته فردی از قبيله دیگر را کشته است  
بودن مال متعلق به دیگری تحت عنوان سرقت کفایت مینمورد که انعام شکنجه را نسبت  
به مضمین روا دارند . در این دوره از تاریخ حیات پشروا مل قضائی با عنصر معنوی و ر  
جرم آشنائی نداشته اند . در حلق افعال مجرمانه انتصاب صل شخص مجرم کفایت  
مینموده و قضیه صرفاً از دیدگاه مادی مورد ملاحظه قرار میگرفته است . عکس العمل  
اجتماعی در برابر مجرم بسیار شدید بوده بطوریکه در قوانین عهد حقوق ملا حظ  
میکنیم کفر سارق شکنجه و قتل بوده است . حقوق رم سارقین راه بر دگی محکوم  
مینموده و اگر سارق برده بود با اعدام محکوم میشده است

قطع دستهای سارق و اخذ جریمه نقدی نسبت به مجازات عهد حقوق دوره پیشرفته  
و معمولی است . در ادوار گذشته عکس العمل اجتماعی با عبارت دیگر مجازات مجاز  
بفوق افراد اجتماع صوما توام با خشونت و دین در نظر گرفتن حالات درونی و معنوی  
مرتکب بوده است .

تحقیق واقع مجرمانه در عالم خارج و انتصاب آن شخص معین برای احراز بزهکاری  
کافی بوده و بهیچوجه حالت روانی و خواست مرتکب مورد نظر واقع نشده و آنچه را که  
امروز بنام عنصر معنوی برای اثبات مجرمیت مورد توجه است در حقوق قدیم دارای  
نقش نبوده است .

توجه به حالت درونی و روانی مرکب جرم در حالتی و معمولاً غشویت آموز و طبیعت  
 تفاوت بر اساس طایفه انسانی اثر قاطع داشته و از ظاهر مهم و از آن تعیین حداقل  
 و اکثر مجازات برای جرائم است که میتوان این مرحله را معمولی در حلقه جزا دانست  
 توجه به حالت درونی بزهکار تا آنجا پیشرفته که امروز گروهی از دانشمندان طبع  
 اجتنابی و حلیق بزهکار را بیمار جزائی میدانند و کسری اصل اجتنابی را در برابر  
 این قیل بپاران بجای همین علت عنوان مجازات در میان در مؤسسات تربیتی  
 و درمان میدانند . نتیجه کلی این مطالبه سبب شده است تا واقعین قانون  
 و قنات محاکم اوضاع عمومی و اجتنابی مرکب جرم را در نظر گرفته سپس بوضع قانون  
 وحدت و حکم مهارت ویژه .

امروز اوضاع و احوال طایف با زبان ارتکاب جرم و خصوصیت جسمی روانی بزهکار  
 از جمله اجزای است که در نظر مورد توجه قضات و محاکم قرار میگیرد .

بیشرفتهای روانشناسی نشان میدهند که افراد اجتناب در فکری شخصیت خود پیمانی  
 و سن گنه داران اختیار و اراده کامل هستند . هرگز ظهور حوادث گوناگون در انحراف  
 صبر طاری زندگی انسانها باشد تا لاف است . در بررسی سابقه سارین حرفه ای  
 غالباً باین نکته برخورد میشود که ابتدای انحراف از یک لغزش ساده و دردی کوچک  
 شروع شده است . در مورد قویب و قشوق بیچاره بیشتر از همه قویب و قشوق بیچاره

جای صحبت بسیار است که در حوصله این مقال نیست لفظ بذکر این نکته اکتفا میشود که این مسائل عموماً در هیچ وجهی و تحرک طلب باصاال ضد اجتماعی و در خود نیروی و دوری از خانواده بطریق عدم وجود نظام بین طلب و اولیای او تأثیر قاطع داشته و اگر درجات دیگر زمینه اسراف وجود داشته باشد سقوط طلب حصر است. در این هنگام ذهن طلب بیشتر موجه صرفت است. باسرفت میتوان پول تهیه کرد و فراز سرکن را انتفاع نمود. بدیهی است در برابر سارقین کارآموده و روزی شده و پامس و دستگاههای انتظامی کشور نیز بکار گرفته شده و ترفیحاتی داده شد که باقسام درد بها و طبقات مختلف سارقین آشنائی کامل حاصل شده و انواع سرقتها و طرز عمل سارقین طبقه بندی گردیده است. بایگانی برای طلبی در این خصوص تشکیل شده و در کتب جرائم و شناخته شدن سارقین خدمات شایانی انجام داده است بطوری که اگر باظرواحل و نوع جدیدی از سرقت مواجه شوند که در طبقه بندی آنها وجود نداشته باشد به ثبت آن اقدام و در موقع لزوم باسرفت و سهولت رد سارقین را دریافته بدستگیری آنان اقدام میکنند

کمیسیون اجتماعی سازمان طلب در سال ۱۹۵۳ تصمیم به بررسی و مطالعه در باره جوانان بزهکار در کشورهای مختلف گرفته و اکمل کارشناسان مخصوص موضوع جلوگیری از ارتکاب جرم جوانان و رفتاری که پس از ارتکاب جرم با آنان بعمل میآید

مورد بررسی قرار داده است .

کمیسیون با تنظیم پرسشنامه ای حاوی پنج قسمت جزا که هر قسمت بایکی از موضوعات  
و جنبه های مختلف این بررسی مرتبط بوده است از کشورهای مختلف تقاضا نموده  
با تنظیم و تکمیل پرسشنامه در این مورد همکاری و مساعدت نمایند .

قسمت های پنجگانه عبارتند از : ۱- جنبه حقوقی ۲- جنبه جزایی ۳- جنبه روانی  
۴- جنبه آموزشی و تعلیمی ۵- جنبه اجتماعی . هدف اساسی از اهداف

کمیسیون اجتماعی سازمان ملل پیشگیری از وقوع بزه است و در این راه با هر چه

بفراوانی کشورهای مختلف که در باب مسئولیت و حد فاصل بین اعمال آزاد و اعمال  
ممنوعه دارای قوانین یکسان نیستند اقدامات معموله با اشکالاتی مواجه است

همینا نظایر آن که در این اقدامات بعمل آمده شخصی و نظایر بین افراد بزهکار

و افرادی شده است که زمینه و پایه انحراف در آنها ظاهر گردیده و مستعد ارتکاب

جرم بوده با فضای شرایط زمانی و مکانی ممکن است حالات و صبرنامه در آنها از

نوع بعمل در آید . توضیح کمیسیون اجتماعی موجب گردیده تا پیش بینی های حقوقی

در قوانین کشورهای اروپائی که در تنظیم پرسشنامه مشارکت داشته اند نسبت به

افراد مستعد ارتکاب جرم بعمل آید و این اقدامات بیشتر در مسیر ایجاد تأسیسات

آموزشی و مؤسسات رفاه کودک و توجه دقیق به وضع خانوادگی و تحصیل اجباری

در دوره تحصیلات ابتدائی است .

سویا با اهداف تأمین سمنی شده است از جوانانی که قادر رشد اخلاقی یا جسمی یا

دکاهی هستند حمایت بعمل آید .

از عده اول بزرگ فوئیل خادمان اجتماعی را خواستار بوده امیدوارم با کوشش و —

فلا نرحمگانی اجتماعی باشد که در جهان پر آشوب نمونه و سرمشق برای سایر

اجتماعات گردد .

علی حسین زاده

## تفسیر سرقه

باب سوم قانون جزا در جفحه و جفایت نسبت با افراد بوده و سرقه در فعل هفتم ایسن باب ذکر شده است . گنجائیدن سرقه تحت عنوان جنحه و جفایت نسبت با افراد بطریقایل اتفاق است زیرا جواز نسبت بمال نهایی در زمره جرائم بر ضد افراد محسوب شود سرقه جواز نسبت بمالکیت افراد است نه جسم و یا همت آنها و صحیح تر آن بود که تحت عنوان جرائم بر ضد اموال مورد بحث واقع میشد . بپرحال قانون مجازات ۱ ز - سرقه وارکان تشکیل دهنده آن تعریف نموده است ولی باید نظر گرفتن مفهوم عرفی سرقه و آراه دادگاههای کهنری و توجه به مجموع مواد ناظر به بزه سرقه ماده ۲۲۲ - قانون جزا و مابعد آن و ماده ۳۷۹ قانون مجازات فرانسه که سرقه را تعریف نموده است میتوان گفت در حقوق جزای ما سرقه عبارتست از بودن مال متعلق متعلق بغير با قصد قلب است .

قوانین پاره ای از کشور ما در تعریف سرقه فقط و محروم ساختن مال را داخل در تعریف سرقه نموده و جرم سرقه را وقتی کامل میدانند که مرتکب با قصد قلب مال را برباید در قوانین انگلستان سرقه عبارتست از ربایش مال قابل دیدن بطور متقلبانه و برخلاف رضایت مالک با قصد محروم ساختن مال را بطور دائم .

قوانین سوئیس نیز قصد فقط را در سرقه شرط قرار داده است .

شمره بحث در این مورد متوجه این نکته است که اگر کسی مال منقول متعلق به دیگری را برای استفاده و انتفاع موقت برباید و سراز استفاده مال آن را بجای خود گذاشته باشد نقطه ای رها کند آیا مرتکب سرقت شده است یا خیر؟

مغایر به در این مورد بیشتر استفاده موقتی از ماشینهای سواری است. این موضوع اخیراً شیوع یافته که اغلب جوانان ماشینهای سواری اشخاص را می ربایند و غالباً به منظور انجام مقاصد تفریحی اینکار را میکنند و بعد از رفع نیاز و انجام مقصود با اتومبیل را رها کرده و پس آنرا به محل اولیه برمیگردانند.

تا چاقچیان نیز غالباً برای حمل کالای قاچاق اتومبیلی را می ربایند و بعد از انجام مقاصد نامشروع خود آنرا در کنار خیابانی رها میسازند.

در این اعمال حلیب تصرف از مال به قصد انتفاع موقت صورت گرفته است سابقه این اعمال در آمریکا و کشورهای اروپائی قدیم میباشند قوانین جزائی ما از این حیث ناقص است چه حلال سرقت با یمتی قصد تنك و محروم ساختن مالک بطور دائم شرط باشد و استفاده و انتفاع ناروا بصورت ربایان موقت تحت عنوان جرم خاص قابل مجازات گردد.

در شرائط فعلی با توجه به تصریحی که بیان گردید در حقوق جزای ما قصد تنك شرط —

نبوده و کسانی